

خانواده، رهیافتی نو در عرصه‌ی سیاستگذاری عمومی

این مقاله در فصلنامه پویا راهبردی شماره دوم به چاپ رسیده است.

بهمن مشکینی^۱

چکیده

خانواده، صرف نظر از تعاریف گوناگونی که برای آن شده است، با پیوند زناشویی بین زن و مرد آغاز می‌شود. سبب اصلی این پیوند، میل و کشش درونی انسان از جنبه‌ی غرایز و عواطف و انگیزه‌ی بقای نسل به حکم عقل و علاقه به تکامل معنوی در سایه‌ی زوجیت از جنبه‌ی فطرت الهی انسان است. این جهات متنوع موجب شده تا جنبه‌های دینی، اخلاقی، حقوقی و عاطفی درباره‌ی این پیوند در هم آمیزند و علوم جدید نیز به طور مستقل یا میان رشته‌ای به بحث درباره‌ی آن پردازند. این مقاله، درصدد است با نگاهی همه‌جانبه به موضوع خانواده و تحلیل وضعیت خانواده در جامعه ایران رهیافتی نو در عرصه سیاستگذاری عمومی ارائه دهد. واقعیت آن است که خانواده باید کانون سیاست‌گذاری در عرصه‌های فرهنگ و هنر، آموزش، اقتصاد و امور زیربنایی قرار گیرد، چنانچه در این مقاله به نتیجه رسیده ایم.

واژگان کلیدی

خانواده، ازدواج

مقدمه

خانواده، نهادی طبیعی است که از فرط بداهت، درست دیده نمی‌شود. مجموعه آموزه‌های الهی و خطابه‌های نبوی و ولایی و تبیین و تفسیر شریعت توسط عالمان متأله تا به زبان نظامات تقنینی، فرهنگی، اقتصادی و ... ترجمه نشود و همه از اهمیت و قداست و اصالت خانواده سخن نگویند، در مقام برنامه‌ریزی‌های توسعه، بسان کتاب آسمانی که به آن عمل نشود خواهند بود.

خانواده، به عنوان یک نهاد، از وجوه مختلف قابل مطالعه است:

- مبانی نظری و رویکرد به خانواده و تشکیل آن:

رویکرد قرآن و سنت و بزرگان فکری و همچنین بررسی وضعیت خانواده در فرهنگ غرب در این بخش مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

- مطالعه روندی از مرحله شکل‌گیری تا استمرار:

موضوعاتی نظیر آمادگی برای تشکیل خانواده (بلوغ، عقل و رشد)، همسریابی، کفویت، نیازهای اقتصادی، روابط و مناسبات خویشاوندی، تولد فرزندان، نیازهای متقابل و بسیاری عناوین دیگر به صورت روندی و کارکردی در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد.

- بررسی نسبت محیط بیرونی با خانواده:

نهادهای اجتماعی و قوای سه‌گانه نسبت به خانواده دارای نقش‌های فراوان و متفاوتی هستند. تعیین این نسبت و سپردن مسئولیت‌ها و نقش‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد.

- تحلیل وضعیت خانواده در ایران:

تحلیل وضعیت خانواده، با استفاده از اطلاعات و آمار و شاخص‌های مربوط، برای تشخیص چالش‌های کنونی خانواده ضروری است. در این بین بررسی نسخه‌هایی که در حوزه‌ی خانواده ارائه می‌شود نیز باید صورت گیرد.

۱- مبانی نظری

خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که با اراده یک زن و مرد شکل می‌یابد و با پیوندهای خانوادگی و تولد فرزندان بزرگ تر می‌شود و رفته رفته فرهنگ و ارتباطاتی را پایه‌گذاری می‌کند که منجر به پدید آمدن جوامع روستایی و شهری می‌گردد. از این جهت خانواده نهادی حساس است چون نقشی حیاتی برای رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا می‌کند.

در این بین، خانواده یک نظام صرفاً درون‌گرا نیست، بلکه با همه‌ی نظام‌های بیرون از خود در ارتباط است و در تأثیر و تأثر دائمی با آنها قرار دارد.

در قرآن و سنت به خانواده توجه جدی شده و در عصر ما نیز عالمان دینی تلاش کرده‌اند این آموزه‌های دینی را به صور گوناگون بیان کنند. همچنین در فرهنگ غرب نیز رویکردی متفاوت به موضوع خانواده شده است که به اختصار به هر یک از آنها می‌پردازیم:

۱-۱- قرآن

قرآن، بنیان هستی را بر پایه زوجیت دانسته (و خلقناکم ازواجاً) و استمرار حیات بشر و پدید آمدن جوامع را به یک زن و مرد نسبت می‌دهد و می‌فرماید:

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ...^۱

ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده ایم و شما را به هیئت اقوام و قبایلی در آورده ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید.

حضرت باری تعالی سپس مبنای زوجیت را وحدت اعلام کرده (و هوالذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها)^۲ و اخلاق و آرامش را ثمره شیرین پیمان زناشویی می‌داند.

در سوره مبارکه روم می‌فرماید:

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه^۳

۱. حجرات/۱۳

۲. اعراف/۱۸۹

۳. روم/۲۱

و خداوند برای شما از نوع خودتان، همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید و در میان شما دوستی و مهربانی افکند.

از نظر قرآن، تشکیل خانواده، امری فطری و حرکت در جهت خواسته الهی است و از این منظر، ازدواج و خانواده، مقدس و محترم است و ترک آن سرزنش شده است.

قرآن می‌فرماید: انت لباس لهم ، هن لباس لکم^۱

این عبارت بیانگر روابط زن و مرد در خانواده است. محققین معانی متعددی برای این عبارت ذکر کرده‌اند. از آن جمله و مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- زن و مرد مکمل یکدیگرند؛ وجود یکی بدون دیگری نقص است.
- زن و مرد عیب‌پوش یکدیگرند.
- رابطه‌ی زن و مرد یک رابطه‌ی دیگر خواهی و نفی خودخواهی‌هاست.
- خانواده، حجابی در مقابل نامحرم و دیگران است.
- محور رابطه‌ی زن و مرد، اخلاقی است و سیر الی الله با محاسبه و مراقبه و سفارش به نیکی‌ها در سایه زوجیت محقق می‌شود.
- این برداشت‌ها، نشانگر عمق بینش اسلامی درباره خانواده است که در مباحث بعدی راه‌گشا خواهد بود.

۲-۱- روایات

در باب نکاح روایات بسیاری وارد شده است که همگی نشان دهنده‌ی اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و مبعوض بودن ترک ازدواج است.

از آن جمله‌اند:

ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل ، و اعز من التزویج^۲

هیچ بنایی در اسلام دوست داشتنی‌تر و عزیزتر از ازدواج نزد خداوند عزوجل نیست.

۱. بقره/۱۸۷

۲. رسول اکرم (ص) / بحار الانوار/ ج ۱۰۳/ ص ۲۲۲

شرارکم عزابکم، رکعتان من متأهل خیر من سبعین رکعه من غیر متأهل^۱
 بدترین شما، آنانی هستند که ازدواج نمی‌کنند، دو رکعت نماز از متأهل، بهتر از هفتاد رکعت
 نماز از مجرد است.

همچنین قدم گذاشتن برای ازدواج جوانان توصیه شده و این نشان‌دهنده‌ی اهمیت ویژه
 تشکیل خانواده در اسلام است:

من زوج عزبا کان ممن ینظر الله الیه یوم القیامه^۲

کسی که مجردی را به زوجیت درآورد از جمله کسانی است که روز قیامت مورد عنایت
 حضرت حق قرار می‌گیرد.

۳-۱- قانون اساسی

در مقدمه‌ی قانون اساسی آمده است:

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و
 آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده‌ی انسان است
 اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت
 اسلامی است.

از این عبارت استخراج می‌شود:

۱- خانواده در جمهوری اسلامی ایران، بنیادی‌ترین واحد اجتماعی است.

۲- خانواده کانون اصلی رشد و تعالی انسان است.

۳- فراهم کردن امکانات برای ایفای نقش خانواده از وظایف حکومت اسلامی است.

در اصل دهم نیز همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها را برای آسان کردن تشکیل خانواده،
 پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی می‌شمرد.

« از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی است، همه‌ی قوانین و مقررات و

۱. رسول اکرم (ص) / کنز

۲. امام صادق (ع) / بحار الانوار / ج ۱۷ / ص ۲۹۸

برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

۴-۱- رهبران و بزرگان فکری

رهبران و بزرگان فکری، از زوایای گوناگون به موضوع خانواده پرداخته‌اند. امام خمینی (ره) خانواده را کانون علم و اخلاق و تربیت می‌داند:

«خانه‌ی مطلوب مسلمان، خانه‌ی تربیت است. خانه‌ی مسلمان خانه‌ی علم و اخلاق است.»
ایشان آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم برای تشکیل خانواده را ضروری می‌دانند و می‌فرمایند:
«مرد و زن برای ازدواج و تشکیل خانواده باید عالم به تعلیم و تربیت و قوانین و آداب اسلامی بوده و آنها را اجرا نمایند.»

رهبر معظم انقلاب خانواده را کلمه طیبه می‌داند و با الهام از آیه ۱۲ سوره مبارکه روم می‌فرماید:

«مرد برای یافتن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش به مرد در محیط خانواده احتیاج دارد.»

این تعبیر، در مقابل کسانی است که آرامش در کنار همسر را یک طرفه تفسیر می‌کنند حال آن‌که از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای، آرامش، اطمینان، امنیت، مودت و رحمت در زندگی زناشویی دو طرفه است. ایشان آنگاه می‌فرمایند:

«خانواده در اسلام یعنی محل سکونت دو انسان؛ محل آرامش روانی دو انسان؛ محل انس دو انسان با یکدیگر؛ محل تکامل یک نفر به وسیله نفر دیگر؛ آن‌جایی که انسان در آن صفا می‌یابد؛ راحتی روانی می‌یابد؛ این محیط خانواده است.»

علامه طباطبایی (ره) نیز می‌فرماید:

«اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده را عامل اصلی پیدایش و بقای جامعه بشری تشخیص می‌دهد.»

همچنین استاد شهید مطهری (ره) درباره‌ی خانواده با طرح مباحث گسترده می‌نویسد: «نه تنها ازدواج مقدس است، بلکه کانون خانوادگی مقدس است.» و ادامه می‌دهد:

«اسلام زندگی خانوادگی را یک اجتماع طبیعی می‌داند و برای این اجتماع طبیعی یک مکانیسم مخصوص تشخیص داده است و رعایت آن مکانیسم را لازم و غیرقابل تخلف دانسته است.»

ایشان عامل تشکیل خانواده را عامل اخلاقی می‌داند و سپس به موضوعی عمیق اشاره می‌کند:

«کانون خانوادگی و فلسفه‌ی خانوادگی و روح خانوادگی عبارت است از روح مافوق‌غریزه جنسی که میان دو نفر پیدا می‌شود؛ یعنی شخصیت یکدیگر را دوست دارند و تا سنین پیری که دیگر غریزه جنسی به کلی ضعیف یا نابود می‌شود، علقه خانوادگی و محبت میانشان هست و روز به روز هم شدیدتر می‌شود.»

از این جا به بعد استاد مطهری (ره) به عامل اخلاقی در خانواده می‌پردازد و در عباراتی این طور می‌آورند:

– ازدواج صرفاً برای اطفای غریزه جنسی نیست، مسئله وحدت و صمیمیتی است که باید پایدار بماند؛

– در نظام اجتماع، قانون اساس است و در اجتماع خانوادگی عواطف؛

– علقه خانوادگی علقه خاصی است براساس عواطف و وحدت و یگانگی و صمیمیت، برخلاف علقه اجتماعی که اساس آن بیگانگی و عدالت است؛

– مشکلات خانواده و زندگی خانوادگی را فقط محبت می‌تواند حل کند نه عدالت و قانون؛

حضرت آیت الله جوادی آملی نیز عبارات متعددی در این باب دارند که مشابهت زیادی با نظرات استاد مطهری دارد. ایشان می‌فرماید:

– خانواده، براساس محبت و عقلانیت اداره می‌شود؛

– خانواده، با اخلاق و عشق اداره می‌شود، نه با حقوق و وظایف؛

از بیانات رهبران و بزرگان فکری که همه‌ی آنها از یک سنخ اند برداشت می‌شود: اولاً خانواده مقدس است. ثانياً عامل اصلی تعیین‌کننده در تشکیل و اداره‌ی خانواده، محبت و عقلانیت می‌باشد.

اما آنچه فهم ما درباره‌ی خانواده را از منظر جهان بینی اسلامی عمیق‌تر می‌سازد عباراتی است

که در آنها شهید مطهری (ره) به لایه درونی‌تر ازدواج و خانواده اشاره می‌کند:

به عقیده‌ی ما اساس و ماهیت زندگی خانوادگی شرکت و مالکیت نیست، وحدت است؛

- زندگی خانوادگی اساسش از بین رفتن من و تو و ایجاد یگانگی است؛

- ازدواج، شکستن حصار خودی است.

این عبارات تکلیف انسان در قبال مسیر الی الله را در سایه‌ی زوجیت روشن می‌سازد و فرسنگ‌ها با مباحثی که خانواده را در تقسیم مالکیت و چارچوب‌ها و قراردادهای محدود می‌کند فاصله دارد.

۵-۱- فرهنگ غرب

ازدواج، در مسیحیت پس از مسیح (ع) یک تنزل از مقام تقرّب محسوب می‌شود و راهبان مسیحی به همین دلیل از ازدواج منع می‌شوند. گرچه این به معنای نفی «تشکیل خانواده» در غرب نیست لکن به آن صورت که در اسلام، ازدواج، مسیر قرب الی الله معرفی شده، نمی‌باشد.

نظامات حقوقی خانواده در غرب، به گونه‌ای است که علقه خانوادگی در حصار تنگ «قرارداد اجتماعی» قرار می‌گیرد و جدا شدن زوجین از یکدیگر یک امر عادی محسوب می‌گردد. گرچه در این باره، ممنوعیت طلاق نزد کاتولیک‌ها یک استثنای مذهبی است که به نوبه‌ی خود مشکلات دیگری به وجود آورده است، حال آن که اسلام، که طلاق را مذموم دانسته در مواردی همین طلاق مذموم را واجب شمرده است.

اخیراً نیز برخی کشورها نظیر انگلستان، تعریف ازدواج را از دو جنس به یک جنس تغییر داده‌اند. صرف‌نظر از نگاه ارزشی به این مطلب، این امر حاکی از نوع نگاه بخشی از جامعه‌ی غرب به ازدواج است که البته به دلیل سنت‌ها و ارزش‌های دینی هنوز اکثریت، در برابر آن مقاومت می‌کنند. باید توجه داشت که بسیاری معتقدند این همجنس‌گرایی زاییده‌ی نگاه فمینیستی به موضوع رابطه‌ی زن و مرد و خانواده می‌باشد.

آنچه مسلم است این که، ازدواج آن‌چنان که در اسلام مقدّس است در غرب جنبه‌ی تأکیدی و تقدّسی ندارد و طلاق نیز نظیر آنچه در اسلام قبیح است، اصلاً مذموم نمی‌باشد.

به رسمیت شناخته شدن زندگی مشترک هم‌خانگی (بدون ازدواج)، بی‌بند و باری جنسی،

افزایش سن ازدواج بدون آن که توصیه به ازدواج یک فرهنگ پذیرفته شده باشد و مواردی از این قبیل، حداقل نشان از عدم تأکید جدی بر موضوع ازدواج و تشکیل خانواده در غرب دارد. البته جامعه‌شناسان به موضوع خانواده خصوصاً از جنبه‌ی یک نهاد اجتماعی و کارکردهای آن توجه کرده و مطالب قابل استفاده‌ای در این زمینه به جامعه بشری عرضه کرده‌اند که مبدأ بسیاری از تصمیمات به نفع خانواده شده است.

۶-۱- بحث و نظر

آنچه از قرآن و روایات و کلام بزرگان فکری مستفاد می‌شود آنست که با وجود آن که ازدواج یک پیمان و قرارداد بین زن و مرد است لکن جنس آن با قراردادهای اجتماعی متفاوت می‌باشد.

- ازدواج و استمرار آن در قالب کانون خانواده مقدس شمرده شده است.

- علقه زوجیت و خانوادگی با علقه‌های دیگر اجتماعی متفاوت است. این علقه براساس عواطف و وحدت و یگانگی است و آن دیگری براساس بیگانگی و قانون.

- مسئله‌ی خانواده در این بینش با محبت و عشق و عقلانیت جلو می‌رود و حل و فصل می‌شود و در اجتماع با قانون.

- طلاق در این بینش مذمت شده است.

در مقابل، در فرهنگ غرب، ازدواج مقدس نیست، صرفاً یک پیمان است که در آن تقسیم مالکیت مسئله‌ی تعیین‌کننده‌ای است. تشکیل خانواده، ارزش‌گذاری دینی و معنوی نمی‌شود و طلاق، قبیح نیست. در این بینش، قانون همان طور که در نظام اجتماع عامل تعیین‌کننده است در خانواده نیز همین طور می‌باشد.

اشتباهی که رخ داده است این است که قضاوت درباره‌ی خانواده در اسلام صرفاً براساس احکام فقهی است. فقه، مجموعه تکالیف و نظام حقوقی اسلام است و نه جهان‌بینی اسلامی. رابطه‌ی جهان‌بینی با فقه همان رابطه‌ی جهان‌بینی با ایدئولوژی است که در آن جهان‌بینی زیرساخت ایدئولوژی (مجموعه بایدها و نبایدها) می‌باشد.

گرچه فقه شیعی از چنان قابلیت‌ی برخوردار است که می‌تواند با تکیه بر اصول و مبانی خود، آنچه در بینش جهان‌شمول اسلامی وجود دارد را در قالب نظام حقوقی مضبوط کند، لکن هنوز از همه‌ی این ظرفیت‌ها استفاده نشده است. قواعد اجتهاد دست فقیه را برای بهتر دیدن

مستحدثات و مقتضیات و اجتهاد بر اساس اصول بازگذارده است.

یکی از شواهد مثال برای روشن شدن مطلب این که:

- در فقه، وظیفه‌ی مرد در قبال زن و خانواده، تأمین نفقه تعیین شده است. گرچه موارد دیگری نظیر حسن معاشرت نیز از وظایف مرد است و در قانون خانواده نیز به آن اشاره شده لکن ضمانت اجرایی برای آن ذکر نشده است. از ناحیه‌ی حقوق نیز، تعدد زوجات، تمکین و سایر موارد حقوق مرد می‌باشد. پرسش اصلی این است که آیا از همه‌ی آنچه در بینش اسلامی نسبت به خانواده وجود دارد همین مقدار می‌تواند خروجی تکالیف شرعی مرد در قبال خانواده باشد؟ و آیا برای توصیه‌هایی که به مردان شده است نمی‌تواند ضمانت‌های شرعی در فقه به وجود آید؟

- اکثر متشرعین، تربیت فرزند را وظیفه‌ی زن شمرده‌اند. قطعاً زن نقش برجسته و بی‌بدیلی در تربیت فرزندان دارد، لکن آیا «مرد» وظیفه‌ای در این بین ندارد؟ از متن آموزه‌های دینی روشن می‌شود که مرد نه تنها در این قضیه وظیفه دارد بلکه در موضوعاتی، مسئولیت اصلی بر عهده‌ی اوست. چگونه است که برای حضور مرد در خانه تکلیفی شرعی تعیین نشده باشد و او بتواند به این وظیفه‌ی خود عمل کند؟ قول مشهور فقها این است که در صورتی که مرد یک زوجه دارد واجب است یک شب از چهار شب را نزد او بگذراند و سه شب دیگر آزاد است^۱. این در شرایطی است که آیت الله جوادی آملی در کتاب «زن در آیینه جلال و جمال» آورده‌اند: «اگر مرد از محل کار بیرون بیاید و به منزل نرود قوام و قبوم و فرمانروا و مدیر نیست.» این مطلب را چگونه می‌توان با فتوای مشهور جمع کرد؟ این از مصادیق فقدان ساز و کار فقهی برای وظایف مرد در قبال خانواده است.

- از این منظر اگر بخواهیم برخی نقل‌ها درباره متشرعین پیش از خود را واکاوی کنیم دچار تناقض خواهیم شد. نقل است که بزرگی در حال کار علمی بودند و خبرآمد که فرزندشان بیمار است. ایشان در حد بیان جمله‌ای یا تکان دادن سر اکتفا کردند و به کار خود ادامه دادند. پس از آن خبر آوردند که فرزند از دنیا رفت و ایشان پس از ذکر انالله و انا الیه راجعون کار خود را از سر گرفتند.

البته در منبع این گونه نقل‌ها، چگونگی و صحت و سقم آن باید تردید کرد، لکن اگر چنین باشد از نظر فقهی کار خلافی صورت نگرفته است.

۱- رویکردی نوین در روابط خانواده (شورای فرهنگی- اجتماعی زنان)

پرسش این است که آیا انسان تربیت شده‌ی اسلام و خواسته‌ی حضرت مصطفی (ص) از پیروانش، این گونه است؟ قطعاً این طور نیست و برای آن شواهد فراوانی نیز وجود دارد. پس چرا این گونه می شود؟ چرا در شرایط کنونی اجتماعی، مردان متشرع به خود اجازه می دهند همسر دوم (دائمی یا موقت) اختیار کنند بدون آن که وجوه این اقدام شرعی خود درباره زن و خانواده خود و آنچه در کلام استاد مطهری (ره) و حضرت آیت الله جوادی آملی به آنها اشاره شده را به عنوان بخش دیگر و اصلی تر بینش اسلامی مد نظر داشته باشند.

اینها به دلیل عدم مداخله همه‌ی اجزا و لوازم منظومه بینش اسلامی در اجتهاد و احکام فقهی است.

شاهد آن بوده ایم که امام خمینی (ره) با ملاحظه همین مطلب، موضوع رضایت همسر اول را برای تعدد زوجات مطرح کردند که این البته آغاز راه بود و متأسفانه بسط و عمق پیدا نکرد. اعتقاد نگارنده این است که با نقطه ضعف اساسی که در فرهنگ غرب درباره‌ی ازدواج و خانواده وجود دارد اگر موضع اسلام در مباحث خانواده درست فهمیده شود و در ساحت نظامات حقوقی جاری و ساری گردد، جهانیان خواهند دانست اسلام در چه جایگاه ممتازی در مباحث اساسی امروز جامعه بشری قرار دارد.

۲- خانواده، از مرحله‌ی شکل‌گیری تا استمرار

۲-۱- پیش از ازدواج

فاصله‌ی بلوغ جنسی تا سن رشد را می توان دوره‌ی آمادگی برای ازدواج دانست. این دوره در دهه‌های گذشته کوتاه‌تر بود و شکل‌گیری ساده‌تری داشته است؛ به تدریج که زندگی شهرنشینی گسترش یافت و عوامل تأثیرگذار بر این دوره تنوع پیدا کرد، با دوره‌ای طولانی‌تر و پیچیده‌تر روبه‌رو شده‌ایم. در گذشته، آگاهی‌ها و مهارت‌های موردنیاز برای ازدواج و اداره زندگی ساده‌تر و متفاوت از وضعیت کنونی بود. این آگاهی‌ها و مهارت‌ها به تدریج در خانواده گسترده و به نسل بعد منتقل می‌شد. در دوره‌ی جدید این نیازها بسیار متنوع شده و انتظار انتقال آن از خانواده به فرزندان دور از واقعیت است.

فهرستی از مهمترین این نیازها را می توان به این ترتیب ارائه کرد:

نیازها	مقاطع سنی
<ul style="list-style-type: none"> - احکام بلوغ - آگاهی‌های علمی دوره‌ی بلوغ - آگاهی‌ها و مهارت‌های بهداشت جنسی - آگاهی‌ها و مهارت‌های موردنیاز درباره‌ی جنس مخالف و آسیب‌های بهداشتی، تربیتی و روانی ارتباط با جنس مخالف - آگاهی‌ها و پیشگیری‌های لازم درباره‌ی مسائل روحی و روانی خاص این دوره 	دوره‌ی بلوغ
<ul style="list-style-type: none"> - مهارت‌های زندگی (خانواده) - آگاهی‌های تفصیلی درباره‌ی جنس مخالف و نحوه‌ی برخورد متناسب با کرامت انسانی، ترسیم آینده‌ی روشن در تشکیل خانواده و تقدس ازدواج و خانواده - کیفیت پیشگیری و مقابله با آسیب‌های مربوط به ارتباط با جنس مخالف 	دوره‌ی دبیرستان
<ul style="list-style-type: none"> - کیفیت و مهارت آشنایی با جنس مخالف برای ازدواج - مهارت‌های جلب رضایت همسر و افزایش علقه زناشویی - اصول و آموزه‌های دینی درباره‌ی زندگی زناشویی و خانواده - وظایف شرعی، حقوقی، اخلاقی و عرفی زوجین - اخلاق زناشویی 	۱۸-۲۲ سالگی

در این بین، موضوعی که در حوزه‌ی قوانین، درباره‌ی شرایط ازدواج از آن غفلت شده است شرط رشد برای دو طرف می‌باشد.

در گذشته سه عنوان «بالغ و عاقل و رشید» برای پسران و «بالغه و عاقله و رشیده» برای دختران شروط احراز صلاحیت ازدواج ذکر می‌شده است. بلوغ در حوزه‌ی قوانین جای خود را باز کرده گرچه همچنان درباره‌ی سن بلوغ محل بحث وجود دارد.

درباره‌ی عقل نیز به حداقل تشخیص عقل اکتفا می‌شود حال آنکه تعریف عقل و نیاز به استفاده از عقل در شرایط کنونی بسیار گسترده‌تر از گذشته است و باید از علوم جدید برای

تعیین حداقل های مورد نیاز استفاده کرد.

لکن رشد مفهومی است که متروک مانده و آن را گاه با بلوغ و گاهی با عقل مترادف گرفته‌اند در حالی که حق مطلب این نیست. (در قوانین، به «رشد» اشاره شده است، لکن عملاً آن چنان که شایسته است مورد عنایت قرار نمی‌گیرد.)

شهید مطهری (ره) درباره رشد در تألیفات متعددی قلم زده اند و آورده‌اند :

«کلمه‌ی رشد در عربی به معنای نمو نیست که در فارسی استعمال می‌شود بلکه همان معنایی است که در فقه می‌گویند عاقل بالغ رشید. رشد یعنی اینکه انسان در یک ناحیه از نواحی زندگی مثلاً در امر ازدواج آن چنان حدی از فکر و عقل را داشته باشد که مصالح خود را در انتخاب همسر و در اداره زندگی خانوادگی درک کند. معنی رشد، درک ارزش ها و سرمایه‌ها و طرز استفاده و بهره برداری از آنهاست. رشد یعنی قدرت مدیریت؛ رشد یعنی اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره برداری یکی از سرمایه ها و امکانات مادی و یا معنوی که به او سپرده می‌شود را داشته باشد. رشد مربوط به اندام نیست. یک نوع کمال روحی است. مثلاً در مورد ازدواج، پسری که می‌خواهد ازدواج کند، باید معنی و هدف و ارزش نتایج ازدواج را درک کند و قدرت تشخیص و انتخاب و اراده داشته باشد، به صرف تلقین این و آن، شخصی را به عنوان همسر انتخاب نکرده باشد، همچنان که دختر نیز برای انتخاب همسر باید رشد داشته باشد.»^۱

از مطالب فوق، می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که باید شرایط رشد از دوره‌ی بلوغ به بعد در خانواده، مدرسه، رسانه، نهادهای دینی و ... فراهم شود تا نسلی آماده‌ی ازدواج گردد و بتواند منتقل‌کننده‌ی فرهنگ و هویت اسلامی به نسل‌های بعد در کانون خانواده باشد.

۲-۲- شکل‌گیری (تشکیل خانواده)

با گسترش جوامع شهری و تغییر الگوی ارتباطات و مناسبات انسانی در سایه‌ی آپارتمان‌نشینی، اشتغال خارج از خانه، بُعد مسافت و ... بازشناسی دختران و پسران آماده‌ی ازدواج و تشخیص صلاحیت‌های آنان به موضوعی جدید تبدیل شده است. رفته رفته محیط‌هایی نظیر دانشگاه، پارک‌ها و اماکن عمومی جایگزین روابط خویشاوندی و محله‌ی زندگی برای انتخاب همسر شده است.

افزایش سطح تحصیلات و آگاهی‌های عمومی و دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی و همچنین

پیچیده‌تر شدن روابط زندگی، نیازمند مهارت افزون بر گذشته برای ازدواج و پایداری زندگی شده است. اختلالات زندگی زناشویی و افزایش میزان طلاق عاطفی و طلاق قانونی، نوعی واهمه برای ازدواج در جوانان ایجاد می‌کند که می‌تواند در آینده منجر به کاهش تمایل به ازدواج شود.

از این رو می‌توان مسائل اصلی در این مرحله را به قرار ذیل شناسایی نمود:

الف- طراحی فرصت‌هایی برای انتخاب همسر و تشخیص صلاحیت‌های کفویت در همسر آینده.

آمارها نشان می‌دهند ۵۸ درصد علل مراجعه برای طلاق، «عدم تفاهم و سازش» بوده است. این امر گویای آن است که گام‌های لازم برای شکل‌گیری ازدواج در تشخیص صلاحیت طرفین به خوبی برداشته نشده است.

در این بین، مدیریت و هدایت صحیح روابط و آشنایی‌های قبل از ازدواج در دانشگاه‌ها، فرهنگ سراها و ... و نهادسازی‌های لازم برای ارائه‌ی مشاوره و اطلاع‌رسانی در این زمینه با مراقبت‌های لازم از سوی نهادهای فرهنگی و با نظارت خانواده، می‌تواند راهگشا باشد.

باید توجه داشت در حال حاضر همچنان ۲۶ درصد ازدواج‌ها به صورت سنتی شکل گرفته است و افزایش آمار طلاق می‌تواند رابطه مستقیمی با دشواری تشخیص صلاحیت توسط خانواده داشته باشد.

ب- فرصت و اختیار برای انتخاب آزادانه در امر ازدواج.

در نظرسنجی‌ها، ۳۱/۵ درصد زنان اعلام کرده‌اند ازدواج بدون رضایت آنها بوده است. این موضوع، نشان می‌دهد همچنان عامل «رضایت» با چالش روبه‌روست.

فرهنگ‌سازی ازدواج و احکام شرعی در این بین، می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل اصلاح وضعیت موجود باشد.

ج- آگاهی، آمادگی و مهارت برای زندگی خانوادگی.

تحلیل علل درخواست طلاق (عدم تفاهم و سازش ۵۸ درصد، مشکلات جنسی در زوجین میانسال ۳۲/۸ درصد و ...) نشانگر آن است که جامعه‌ی جوان ما، مهیای زندگی خانوادگی نشده و از مهارت کافی برای آن برخوردار نیست.

مدارس، رسانه‌ها، منابع مطالعاتی مفید و ... در این زمینه به خانواده کمک نمی‌کنند و خانواده نیز به تنهایی از عهده‌ی این نقش مهم برنمی‌آید. آنچه در مرحله قبل درباره آگاهی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز فهرست شد باید در این مرحله استمرار و عمق یابد.

۳-۲- پایداری (خانواده نوپا)

در زندگی مشترک، مرحله دشواری وجود دارد که پایداری آینده، طلاق عاطفی یا طلاق قانونی محصول چگونگی تنظیم روابط درون خانواده در این مرحله است که معمولاً در حدود سه تا پنج سال پس از ازدواج به طول می‌انجامد.

آمارها نشان می‌دهند ۶۵ درصد درخواست طلاق در سه سال اول زندگی بوده است و این امر مراقبت ویژه از خانواده در این مرحله را ایجاب می‌کند. چالش‌های عمده این مرحله عبارتند از:

۱- عدم پابندی و مسئولیت‌پذیری مردان جوان در زندگی مشترک.

بیش از ۹۰ درصد زنان جوان، علت مراجعه خود را به دادگاه‌های خانواده عدم تفاهم با شوهر، خشونت خانگی و اعتیاد همسران اعلام کرده‌اند.

باید توجه داشت پسران تصور کاملی از وظایف شرعی و قانونی خود پس از ازدواج ندارند. بسیاری از مردان جوان، همچنان به ارتباطات با دوستان خود ادامه می‌دهند و وقت کافی برای همسران خود اختصاص نمی‌دهند. این به دلیل عدم آماده‌سازی آنها برای ازدواج در مراحل پیشین است. آمارهایی نظیر مشکلات جنسی با فراوانی بیش از ۱۰ درصد (اظهارشده) در اختلافات ازدواج‌های جوانان، گویای واقعیات پیچیده‌ی این مرحله می‌باشد.

چالش‌های دیگر این مرحله نیز عبارتند از:

۲- کمبود مهارت‌های لازم نزد دو طرف.

۳- دخالت‌های غیرمسئولانه اطرافیان.

۴- عدم تنظیم خواسته‌ها و توقع‌های اقتصادی، اخلاقی، جسمی و جنسی دو طرف.

۵- فقدان نظامات مشاوره‌ای و حمایتی از خانواده‌های نوپا.

۶- نارسایی‌های اقتصادی و تحمیل آن به فضای روابط خانوادگی.

۴-۲- استمرار (خانواده میانسال)

با تولد و رشد فرزند یا فرزندان و تثبیت خانواده، مسائل جدیدی پیش روی خانواده قرار می‌گیرد که عمده‌ی آنها عبارتند از:

۱- تمایلات زنان به فعالیت در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی و علمی. براساس نظرسنجی‌ها، ۵۶ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، فرصت تحصیل و اشتغال را از دست می‌دهند.

نیاز به تحصیل، تمایل به استقلال اقتصادی و موضوع مالکیت اموال به دست آمده در خلال زندگی از مهم‌ترین چالش‌های این مرحله می‌باشد و حجم وسیعی از اختلافات خانوادگی در این مرحله را تشکیل می‌دهند.

۲- تمایلات چندهمسری در مردان.

تمایلات مردان به ازدواج‌های موقت و مجدد، یکی از نابسامانی‌های این مرحله است. جمهوری اسلامی ایران با قرار دادن شرط «رضایت» برای ازدواج‌های رسمی، موضوع تعدد زوجات رسمی را محدود ساخته لکن «ازدواج موقت» و پنهانی یکی از چالش‌های خانواده‌ها و زنان میانسال می‌باشد.

علاوه بر دو مورد فوق، کمبود قوانین لازم حقوقی و حمایتی و عدم وجود ضمانت‌های لازم برای قوانین موجود یکی دیگر از چالش‌های این مرحله می‌باشد.

۳- ضعف و نقص کارکرد مدرسه و نیاز به صرف زمان و هزینه در زمینه‌های تربیتی و آموزشی از سوی خانواده.

۵-۲- کهنسالی

در مرحله‌ی کهنسالی موضوعاتی نظیر بهداشت و سلامت، تأمین اجتماعی و جلب محبت فرزندان حائز اهمیت است.

۶-۲- خانواده‌های با سرپرستی زنان

خانواده‌هایی که به علت فوت یا طلاق، زن سرپرست خانواده می‌باشد با مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌های متنوعی روبه‌رو هستند. موضوعاتی نظیر اشتغال و تأمین اجتماعی از مهم‌ترین

این چالش‌ها هستند که در عرصه‌های بعدی به آنها پرداخته خواهد شد. باید توجه داشت براساس سرشماری سال ۵۸ زنانی که سرپرست خانواده هستند، بالغ بر ۱/۱۴۶/۰۰۰ نفر می‌باشند که نسبت به دهه‌ی قبل ۲۱ درصد افزایش داشته است.

۳- نسبت محیط بیرونی با خانواده

خانواده، یک نهاد صرفاً درون‌گرا نیست و با نهادها و محیط‌های بیرونی خود در تعامل است و در عین تأثیرگذاری بر آنها، تأثیر بسیاری نیز می‌پذیرد. در اینجا به برخی از این ارتباطات می‌پردازیم:

۳-۱- نهاد تعلیم و تربیت

دوازده سال از عمر خانواده در ارتباط دائمی و پرحجم با نهاد تعلیم و تربیت می‌گذرد. هر چه پیش‌تر رفته‌ایم این ارتباط، ابعاد وسیع‌تری یافته و تقریباً تمامی رفتارهای خانواده را متأثر از خود ساخته است.

- اقتصاد خانواده به طور وسیعی درگیر با نظام تعلیم و تربیت است.

- وقت‌گذاری برای لذت‌زندگی تابع تعیین و تکلیف‌های مدرسه است.

- خانواده باید وقت بسیاری را صرف خنثی‌سازی تأثیرات غلط محیط و روابط درون مدرسه بر فرزندان نماید.

- خانواده نقش آموزشی مکمل برای فرزندان دارد.

و بسیاری موارد دیگر که در جای خود باید به آنها پرداخت. پرسش اصلی این است که نظام تعلیم و تربیت در قبال این میزان بارگذاری بر دوش خانواده، چه سهمی در کاهش مشکلات و کمک به خانواده برای ایفای نقش خود دارد. خصوصاً این وضعیت در دوره راهنمایی و متوسطه پررنگ‌تر است.

خانواده، از نظام تعلیم و تربیت انتظار دارد که فرزندان با هویت دینی و ملی تربیت شوند. مؤدب به آداب اجتماعی باشند. اخلاق محور تربیت آنها باشد. جامعه‌پذیر و قانون‌گرا و مسئولیت‌پذیر تربیت شوند.

ولی هم مشاهدات و هم نتایج پژوهش‌ها بیانگر واقعیت دیگری است. امروز، خانواده باید افزون بر تأمین هزینه‌ها، نقش‌های بر زمین مانده‌ی نظام تعلیم و تربیت را نیز برعهده بگیرد

و از آن بدتر آموزه‌های غلط در محیط مدرسه را نیز ختنی کند.

۲-۳- رسانه‌ی ملی

رسانه‌ی ملی در ترویج فرهنگ و ارزش‌ها نقشی بی‌بدیل دارد. این نقش به خوبی شناخته شده و برای آن تلاش می‌شود. رسانه ملی گام‌های مثبتی در موضوع خانواده برداشته است. لکن از دو منظر باید بیش از پیش به این رسالت دینی خود واقف گردد:

۱- کمک به ترویج فرهنگ ازدواج، افزایش مهارت زندگی، تحکیم بنیان خانواده و کاهش رنج‌ها و آرامش‌بخشی به کانون خانواده.

۲- حفاظت از کانون خانواده با نفی نمایش یا گفتاری که اختلال در روابط خانواده ایجاد می‌کند.

در مواردی مشاهده می‌شود که :

- عشق خیابانی و بدون پشتوانه نظری به فرجام نیک می‌رسد (سریال نرگس و دلنوازان)
 - مخالفت پدر با عشق خیابانی منشأ خودخواهانه، مادی و زشت بودن شخصیت پدر دارد (سریال نرگس)
 - همه مشاجره‌های خانوادگی در هنگام غذا خوردن اتفاق می‌افتد (چند سریال).
 - مردان، لایق محبت و فداکاری نیستند (تا ثریا).
 - مردان به همسران خود خیانت می‌کنند. (چند سریال).
 - قبح طلاق کم رنگ می‌شود. (هزار راه نرفته).
 - دعوای سهم ارث از پدر در زمان حیات وی طرح می‌شود. (چند سریال).
 - فرزندان نسبت به پدر یا مادر بی‌حرمتی می‌کنند. (چندین سریال).
- اینها در کنار جنگ رسانه‌ای علیه ارزشهای اسلامی و ملی، در شبکه‌هایی نظیر فارسی ۱، زمزمه و من و تو که به صورت واضح خانواده را نشانه گرفته‌اند محل تأمل است.

۳-۳- نهاد روحانیت

نهاد روحانیت، پدر معنوی جامعه است. این نهاد در ترویج فرهنگ ازدواج، مشاوره و آموزش، تحکیم بنیان خانواده و حل و فصل اختلافات خانوادگی از گذشته تاکنون نقش ممتازی داشته است.

این نقش نسبت به گذشته کمرنگ تر شده و هرچه به سمت شهرهای بزرگ و پرجمعیت حرکت می‌کنیم، این نقش در لابه لای جمعیت انبوه گم می‌شود. یکی از دلایل این کاستی، فاصله ای است که روحانیت از زندگی در محله و مسجد و در بین مردم گرفته است. اگر از کرسی ولایت و تصدی برخی مسئولیت‌ها در حکومت دینی بگذریم، هیچ نقشی برای روحانیت ممتازتر از مربی‌گری، معلمی و ترویج فرهنگ دینی از پایگاه مسجد و در سایه‌ی زندگی در بین مردم وجود ندارد.

این نقش باید بازسازی شود. امروز نهاد خانواده به بازیگری این‌چنین در کنار خود نیاز مبرم دارد. موارد فوق، تنها سه شاهد مثال برای بیان نسبت محیط بیرونی با خانواده است. همه‌ی ارکان و نهادهای اجتماعی و حاکمیتی باید نسبت خود را با خانواده تعیین کنند. ارکانی نظیر مقننه، قضائیه، نهادهای برنامه‌ریزی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... باید کارکردهای خود را متناسب با آرمان‌های نظام در حوزه خانواده و جاری و ساری شدن این آرمان‌ها از مجرای خانواده تنظیم کنند.

۴- تحلیل وضعیت خانواده در ایران

۴-۱- بررسی اطلاعات و آمار

سال‌نامه‌ی آماری کشور در سال ۷۸، آمار تعداد خانوار در ایران را ۷۱/۱۰۵/۱۷۷ خانواده اعلام کرده است. استفاده از واژه‌ی خانوار که یک مفهوم «جمعیت‌شناسانه» است به جای خانواده این امکان را برای آمارگیری فراهم نموده تا ساکنین در یک محل سکونت اعم از یک نفر یا بیشتر و یا دارای پیمان زوجیت یا غیر آن را در سرجمع خانوار محاسبه نماید.

این موضوع با تعریفی که ما از خانواده داشته‌ایم فاصله دارد و با تعریفی که در برخی اسناد بین‌المللی وجود دارد نزدیک‌تر است. براساس تعریف ما، نهاد اجتماعی که با پیمان زوجیت آغاز شود و حداقل با یکی از والدین و فرزندان ادامه یابد، «خانواده» نامیده می‌شود. لکن با قراردادن عنوان خانوار، کسانی که در تجرد به سر می‌برند و یا زندگی بدون پیمان زوجیت دارند نیز خانوار محسوب می‌گردند. این موضوع، موجب اختلال در جهت‌گیری برنامه‌های

کشور می‌شود و ضروری است تا نقطه‌ی عزیمت آمار و برنامه‌های کشور در این زمینه از «خانوار» به «خانواده» اصلاح گردد.

جدول‌های ذیل نشان دهنده‌ی وضعیت ترکیب جمعیتی کشور برحسب خانوار می‌باشد:

جدول شماره ۱

خانوار و جمعیت برحسب جنس در کل کشور				
جمعیت			تعداد خانوار	شرح
زن	مرد	مرد و زن		
۹۳۰۹۷۶۰	۹۶۴۴۹۴۴	۱۸۹۵۴۷۰۴	۳۹۸۵۶۸۰	آبان ۱۳۳۵
۱۲۴۳۲۹۲۱	۱۳۳۵۵۸۰۱	۲۵۷۸۸۷۲۲	۵۱۶۷۱۹۲	آبان ۱۳۴۵
۱۶۳۵۲۳۹۷	۱۷۳۵۶۳۴۷	۳۳۷۰۸۷۴۴	۶۷۱۱۶۲۸	آبان ۱۳۵۵
۲۴۱۶۴۰۴۹	۲۵۲۸۰۹۶۱	۴۹۴۴۵۰۱۰	۹۶۷۳۹۳۱	مهر ۱۳۶۵
۲۷۰۶۸۷۱۳	۲۸۷۶۸۴۵۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۱۰۷۸۷۲۲۷	مهر ۱۳۷۰
۲۹۵۴۰۳۲۹	۳۰۵۱۵۱۵۹	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱۲۳۹۸۲۳۵	آبان ۱۳۷۵
۳۴۶۲۹۴۲۰	۳۵۸۶۶۳۶۲	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۷۵۰۱۷۷۱	آبان ۱۳۸۵

جدول شماره ۲

ترکیب خانوارهای معمولی برحسب ساکن و غیر ساکن (آبان ۱۳۸۵)					
شرح	جمع	یک نفره	سرپرست و همسر	سرپرست و همسر و فرزندان سرپرست	سرپرست و فرزندان
کل کشور	۱۷۳۵۲۶۸۶	۹۰۳۱۳۹	۲۱۵۸۶۶۹	۱۱۴۵۵۳۸۸	۹۲۵۲۵۲
ساکن در نقاط شهری	۱۲۲۸۲۹۲۶	۶۳۶۱۹۴	۱۵۶۲۸۷۸	۸۲۰۱۵۶۹	۶۵۳۸۵۰
ساکن در نقاط روستایی	۵۰۴۸۴۳۹	۲۶۶۰۵۳	۵۹۳۸۶۹	۳۲۳۹۰۷۴	۲۷۰۳۷۶
غیر ساکن	۲۱۳۲۱	۸۹۲	۱۹۲۲	۱۴۷۴۲	۱۰۲۶

جدول شماره ۳

ترکیب خانوارهای معمولی برحسب ساکن و غیر ساکن (آبان ۱۳۸۵)					
شرح	سرپرست و همسر با سایر	سرپرست و همسر با سایر خویشاوندان درجه یک سرپرست	سرپرست و همسر با سایر خویشاوندان درجه یک سرپرست	سرپرست و غیر خویشاوند	سایر
کل کشور	۶۴۱۰۱	۱۹۵۸۹	۲۵۷۱	۵۴۱۷	۱۸۱۸۵۶۰
ساکن در نقاط شهری	۳۴۲۰۰	۱۰۳۹۹	۱۹۳۶	۴۶۶۱	۱۱۷۷۲۳۹
ساکن در نقاط روستایی	۲۹۷۸۶	۹۱۴۵	۶۳۵	۷۳۸	۶۳۸۷۶۳
غیر ساکن	۱۱۵	۴۵	۰	۱۸	۲۵۵۸

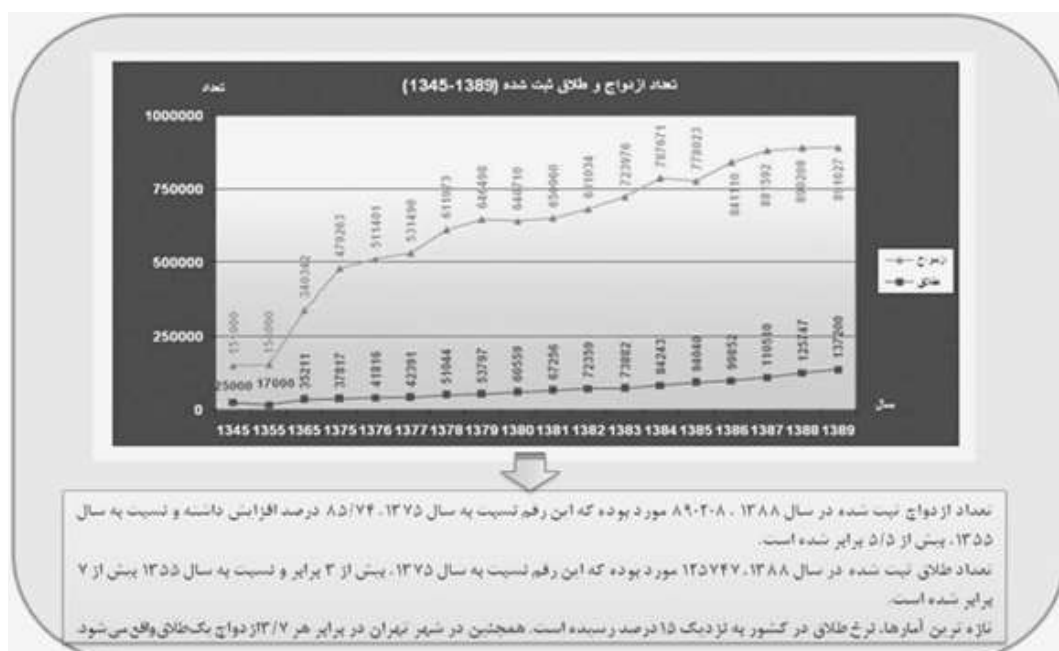
این جدول ها نشان می‌دهند:

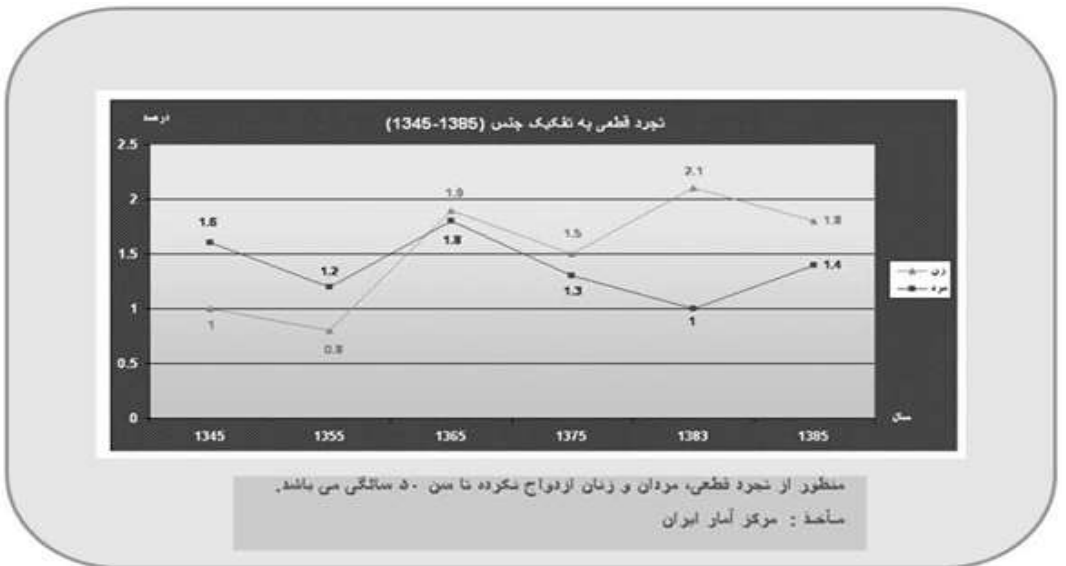
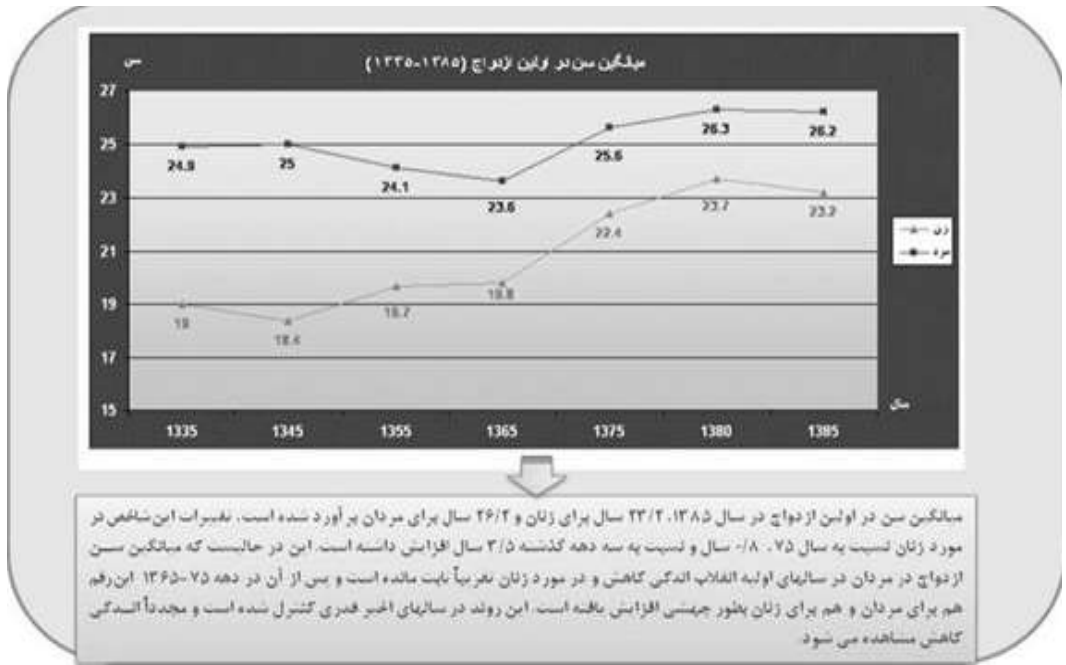
۱- جمعیت کشور و خانوارهای ایرانی طی پنج دهه، شهری‌تر شده‌اند و خانواده با مسائل جامعه شهری روبه‌رو شده است.

۲- خانوارهای با سرپرست زن در سرجمع خانوارهای ایرانی روبه افزایش است.

۳- پدیده‌ی «زندگی مجردی» روبه افزایش است.

آمار و اطلاعات تکمیلی در حوزه‌ی خانواده به توصیف وضعیت ازدواج، طلاق و سایر موارد در این حوزه کمک می‌کند که در جداول و نمودارهای بعدی قابل بررسی است:







توزیع نسبی خانوارهای زن سرپرست بر حسب بعد خانوار به تفکیک سال‌های سرشماری (درصد)

بعد خانوار	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵
۱ نفره	۳۶/۰۵	۳۴	۳۹	۳۶
۲ تا ۳ نفره	۳۸/۵۳	۳۳	۳۲	۳۴
۴ تا ۵ نفره	۱۸/۴۲	۲۱	۱۸/۵	۲۰
۶ نفره و بیشتر	۷	۱۲	۱۰/۵	۱۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰



در سرشماری سال ۱۳۸۵ بیشتر از یک سوم خانوارهای زن سرپرست ۲ یا ۳ نفره‌اند.

۵- تحلیل و جمع‌بندی

با شکل‌گیری بنیان‌های جدید اجتماعی، خانواده متأثر از مناسبات جدید، دچار تحول شده و از گسترده به هسته‌ای تغییر شکل داده است. خلأ و در بعضی موارد بحران در کارکردها در شرایطی که به دلیل تحولات جهانی، دوره‌ی گذار توسعه و ضرورت‌های افزون بر گذشته در تأثیر خانواده بر حوزه تربیت، دین، اخلاق و هویت در تقابل با تهاجم فرهنگی، نقش بیشتری برای خانواده ایجاد کرده است و خانواده بیش از گذشته نیاز به حمایت، توانمندسازی و استحکام بخشی دارد.

براین اساس، اصلی‌ترین مؤلفه‌ها برای تحلیل وضعیت خانواده و سیاست‌ریزی بر پایه آن عبارتند از:

الف- خانواده، علاوه بر کارکردهای گذشته، دارای کارکردهای پیچیده جدیدی شده است. ۱. در عین حال متناسب با کارکردهای گسترده، توانایی‌ها، شرایط و حمایت‌های لازم برای شکل‌گیری، استواری و ایفای نقش خانواده، به وجود نیامده است.

ب- نقص نهادهای اجتماعی در ایفای نقش و خلأ کارکردی آنها موجب شده است تا باری افزون بر توان خانواده بر دوش آن گذاشته شود^۲ و از این بابت این نهادها به جای کمک به خانواده، مشکلات آن را بیشتر می‌کنند.

ج- نارسایی‌های بخش‌های زیربنایی، اقتصادی و آسیب‌های دوره گذار توسعه؛ خانواده را متأثر ساخته و در مواردی با بحران روبه‌رو کرده است و خانواده که در شرایط جدید بار بیشتری را باید بر دوش بکشد، ناچار در حد تأمین نیازهای اولیه‌ی مادی تنزل یافته است. در این بین زنان نیز ناچار شده‌اند در عرصه‌ی اقتصاد و معیشت خانواده فعال‌تر شوند و حضور آنان در زندگی کم‌رنگ‌تر و یا با تحمّل مشقت فراوان برای ایفای نقش شده است. در مواردی که مردان با کار مضاعف برای تأمین هزینه‌های زندگی تلاش می‌کنند و مادران در خانه مسئولیت‌ها را بر دوش می‌کشند شاهد تربیت زنانه‌ی پسران بدون الگو برداری از مردانگی پدران هستیم.

۱- نظیر ارائه مشاوره در حوزه‌های رفتاری و تربیتی، شغلی، تحصیلی، ازدواج و ...، ارائه اطلاعات صحیح در فرآیند هویت‌یابی فرزندان در ابعاد جسمی، جنسی، عقلی، اجتماعی، دینی، انقلابی و ...، آماده‌سازی جوانان برای ورود به عرصه‌های پیچیده اجتماعی جدید و ...

۲- نظیر عدم پاسخ‌گویی حوزه‌های مربوط به شبهات دینی، نقص کارکرد مدرسه در حوزه‌های تربیتی، هویت دینی و انقلابی، اطلاع‌رسانی تخصصی درباره ابعاد هویتی (جسمی، جنسی و ...) و بسیاری موضوعات دیگر.

د- جهت‌گیری تربیتی و آموزشی خانواده، مدرسه، رسانه و نهادهای اجتماعی متناسب با فضای جدید برای آماده‌سازی فرزندان جهت تشکیل خانواده، همسریابی و همسررداری و زندگی زناشویی نبوده است و موجب شده تا نسلی به مقطع تشکیل خانواده نزدیک شود که مهای آن نیست.

ه- شهرنشینی، الگوی همسریابی را تغییر داده، لکن الگوهای متناسب با وضع جدید طراحی و نهادینه نشده و جامعه‌ی جوان، همسریابی را در مجرای که جامعه‌ی بزرگ سال آن را به رسمیت نمی‌شناسد جستجو می‌کند و این خود موجب بروز آسیب‌هایی در روابط نسل‌ها و چگونگی تشکیل و استمرار خانواده شده است.

و- افزایش سطح مطالبات زن و مرد از یکدیگر و ناتوانی طرفین در پاسخگویی به این مطالبات؛ مشکلات جدیدی برای خانواده به وجود آورده است. در خانواده‌های دارای فرزند این اختلال بین فرزندان و والدین نیز وجود دارد.

ز- خانواده، کانون تهاجم فرهنگی دشمنان، برای رسیدن به اهداف خود است. از طرفی هیچ نهادی به اندازه‌ی خانواده، نمی‌تواند در تقابل با این تهاجم موفق باشد. همچنین سیاست‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و ... کشور از مجرای خانواده به بهترین نحوی قابل اجراست و موجب کاهش هزینه‌های دولتی می‌شود.

با این همه، نسخه‌های متعددی درباره‌ی خانواده تجویز می‌شود. نقطه‌ی عزیمت این نسخه‌ها مشاهده‌ی یک نقص یا بیماری در جامعه و تجویز برای آن بدون داشتن یک نگاه عالمانه، جامع و دقیق است.

برخی از این نسخه‌ها عبارتند از:

۱- نارسایی‌های اقتصادی و افزایش سطح توقعات موجب شده که جوانان نتوانند ازدواج کنند. بنابراین در کنار تشویق به آسان و ساده برگزار کردن ازدواج، ازدواج نیمه فعال، به صورتی که پس از عقد نکاح، زوجین در منزل پدری بمانند ولی رسماً زن و شوهر باشند تا شرایط تهیه مسکن و شغل را پیدا کنند پیشنهاد شده است. این خلاصه اشکال و طرح ارائه شده از سوی برخی شخصیت‌ها و نهادها بوده است.

وجوه مختلف ایرادات وارد بر این طرح از این قرارند:

- تشویق به ازدواج آسان، سنت نبوی (ص) است، لکن مراسم ازدواج اعم از خریدها، ایاب

و ذهاب‌ها، مراسم و ... بخش ناچیز و خاطرات ازدواج را تشکیل می‌دهد. تشکیل خانواده واقعیتی بزرگ‌تر است. داشتن شغل و درآمدپاسخ‌گو برای تأمین نیازهای زندگی و اجاره مسکن مهم‌تر از ازدواج است. متأسفانه این توصیه‌ی نبوی (ص) اکنون به عنوانی برای بستن چشم در برابر مسئله‌ی اصلی تبدیل شده است.

۱- پیوند زناشویی، شیرینی دارد که در صورت چشیده نشدن در همان اوان پس از ازدواج رسمی، آرام‌آرام از دست می‌رود. امروز اکثر متخصصین طولانی شدن فاصله‌ی دوران عقد تا زندگی رسمی را مخل استمرار زندگی زناشویی می‌دانند. بنابراین آینده‌ی فاسد ازدواج بدون زندگی مشترک زیر یک سقف می‌تواند حتی منجر به افزایش آمار طلاق شود.

۲- این نسخه در صورت ارزشمندی، هیچ‌گاه یک نسخه ملی نیست و حداکثر یک توصیه به حسب مصداق است و نباید تبدیل به یک راه حل ملی شود که متأسفانه نزدیک به یک دهه به صورت مختلف مطرح گردیده است.

۳- به همان دلایل پیش‌گفته در نسخه ۱ شماره (۱)، دختران و پسران به عقد موقت یکدیگر درآیند. برخی از پیشنهاددهندگان این طرح، برای آن عنوان «دوستی اسلامی» را نیز انتخاب کرده‌اند.

این طرح از جنبه‌های مختلف دارای اشکال است:

۱- ازدواج موقت که در شرع می‌تواند مبنای محرمیت باشد برخلاف برخی تصور عامه، صرفاً محرمیت نیست بلکه عقد نکاح با شروط خود می‌باشد و به دلیل آن که مسئولیت‌های ناشی از آن بسیار محدود است، شانه خالی کردن از آن بسیار ساده می‌باشد. رواج این فرهنگ در بین دختران و پسران می‌تواند دامنه‌ای از بی‌رغبتی به ازدواج دائم تا بی‌بند و باری به وجود آورد.

۲- هنگامی که طرفین نسبت محرمیت جنسی از نظر شرع پیدا کردند، دیگر نمی‌توان تبعات ناشی از آن را از ازاله بکارت تا بارداری کنترل کرد. در این صورت، مشکلات و آثار متعدد و خطرآفرین اجتماعی مترتب می‌شود که مفسده‌ی آن از مصلحت آن بیشتر خواهد بود.

۳- باید عنایت داشت که این نسخه با موضوع محرمیت کوتاه‌مدت مرسوم بین خانواده‌های مذهبی برای بازشناسی دختر و پسری که با مقدمات لازم قصد ازدواج دارند متفاوت است.

۴- تشویق زنان به از خودگذشتگی برای ازدواج مجدد شوهران خود در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی.

پیش از بیان ایرادات وارد بر این رویکرد، پرواضح است که منظور از این بیان، «ازدواج مخفیانه» مردان نیست. چه آن‌که، این عمل هم از نظر اخلاقی و هم از نظر تبعات فاسد آن، توصیه نمی‌شود بلکه مذموم نیز هست. همچنین در این توصیه و تشویق، تفاوتی بین ازدواج موقت یا دائم نمی‌باشد.

ایرادات وارد شده:

- مهم‌ترین ایراد وارد بر این رویکرد، «عدم اطلاع صاحبان این سخن» از شرایط و مقتضیات و واقعیات جامعه و مسائل خانواده است. در این مقاله کوشیده‌ایم تا فهرست برخی از جوانب مسائل خانواده را عنوان کنیم و می‌دانیم بسیاری از موارد را فرو گذاشته‌ایم. طراحان محترم، بدون شناخت این همه، مشکل جامعه را «زنان بیوه» و «دختران هرگز ازدواج نکرده» فرض کرده‌اند و راه حل را چندهمسری مردان انگاشته‌اند.

- قریب به ۱/۷ میلیون زن سرپرست خانوار در ایران وجود دارد. سالانه حدود یک‌صد هزار بیوه در اثر طلاق حادث می‌شود. چه تعداد مرد دارای تمکن مالی در ایران وجود دارد که تمایل به چندهمسری داشته باشد و مانعی نیز برای اقدام وی نباشد تا مشکل جامعه (به زعم طراحان) حل شود؟

- این توصیه‌ها کارساز نیست. اگر می‌بود سارا همسر ابراهیم خلیل، هاجر را تحمل می‌کرد. نتیجه قهری این اقدام، فروپاشی خانواده‌ها و کباب شدن مسیر صواب است. همسران اول، در اثر این اقدام تحمل نخواهند کرد و ناچار طلاق می‌گیرند. آن‌گاه قلم شرم می‌کند که این اصطلاح را به کار برد که در اثر این توصیه (که فقط نیتش خیر است) «زنان در جامعه اسلامی ایران، دست به دست خواهند شد» (العاقل یکفیه الاشارة). از طرفی آسیب‌های روحی فرزندان و تأثیر آن بر دین‌گریزی آنان تنها یکی از آسیب‌های ناشی از عمل به این نسخه خواهد بود.

- طراحان این توصیه (همان‌طور که فقهای ما درباره صدور یک فتوی انجام می‌داده‌اند) ابتدا درباره‌ی خود و اطرافیان خود، امتحان کنند و سپس به ارائه‌ی نسخه‌های ملی بپردازند. این طور بیشتر به عملی بودن توصیه‌های خود پی خواهند برد.

نسخه‌ی اصلی برای قانون خانواده همان متن قانون اساسی و قرارداد نهاد خانواده در کانون برنامه‌ریزی کشور است. اگر چنین شود آن‌گاه شاهد حل اساسی همه معضلات و آسیب‌هایی هستیم که در خانواده و حواشی آن می‌بینیم و همگان درباره آن احساس تکلیف می‌کنیم.

پیشنهادها و راه‌کارها:

- ۱- موضوع خانواده محور برنامه‌های توسعه و برنامه‌های اجرایی دستگاه‌ها قرار گیرد. این بدان معناست که برخلاف وضع موجود در برنامه‌های توسعه، اقتصاد در خدمت خانواده باشد. منظور از این پیشنهاد فراتر از اختصاص چند ماده یا تبصره در برنامه‌های توسعه نظیر آن‌چه تاکنون شاهد آن بوده‌ایم، می‌باشد.
- پیشنهاد مصرح ما، اختصاص یک فصل جدید در برنامه تحت عنوان «خانواده» در عرض فصول دیگر است. افزون بر این در همه‌ی فصل‌های دیگر، موضوع خانواده معیار ارزیابی صحت و درستی هریک از مواد قرار گیرد و با آن سنجیده شود.
- ۲- موضوع خانواده در وظایف اساسی همه‌ی دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی گنجانده شود و نسبت به آن ساختار و تشکیلات، منابع انسانی، بودجه و اعتبارات و برنامه‌های اجرایی تنظیم گردد.
- ۳- بازنگری نظام فقهی خانواده، متناسب با وضعیت جدید و به منظور اجرایی نمودن آموزه‌ها و توصیه‌های دینی و نشر سیره‌ی عملی، از معصومین (ع) تا عالمان متأله عصر حاضر نظیر حضرت امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب، علامه طباطبایی (ره)، شهید مطهری (ره)، شهید بهشتی (ره) و دیگر صالحان، بر اثبات شایستگی فقه شیعه برای اداره جهان مهر تأیید دیگر خواهد بود. قوانین خانواده نیز بر همین اساس باید مورد بازنگری قرار گیرند و در مواردی که صرفاً توصیه است ضمانت اجرا به وجود آید.
- ۴- از اظهارنظرها و توصیه‌های بدون پشتوانه‌ی نظری و جامعیت جداً باید پرهیز شود. این‌گونه اظهارنظرها، گاهی تهاون به اسلام عزیز را موجب می‌شود.
- ۵- «آموزش» ازدواج و خانواده از سطوح مدرسه‌ای تا پس از تشکیل خانواده در نهادهای ذیربط اجرا شود.
- ۶- «مشاوره» ی ازدواج قبل، حین و پس از ازدواج سازمان دهی گردد.
- ۷- برای موضوع تشخیص صلاحیت ازدواج و کفویت زوجین که یک موضوع تخصصی است نهادسازی شده و برای ثبت ازدواج، اجباری گردد.
- ۸- برای ثبت «مهریه عندالمطالبه» به هر میزان که بین طرفین تعیین شود «پشتوانه مالی و تضمین حقوقی» به وجود آید. به تعبیر دیگر «زندان مهریه» باید حذف و مهریه‌ی نظیر دیگر

تعهدات مالی در صورت به اجرا گذاشته شدن، قابل وصول باشد.

۹- تعیین حداقل معیشت و رفاه نسبی با انجام ۸ ساعت کار و تضمین آن در هر شرایط، به اولویت نخست بودجه کشور تبدیل گردد. گام نخست در این راه، طراحی شاخص‌های این حداقل و تعیین نرخ آن در هر سال می‌باشد. شاخص‌هایی نظیر تفریح و اوقات فراغت، مراقبت‌ها و پیشگیری‌های سلامت، فرهنگ، ورزش و ... باید در بین شاخص‌ها وجود داشته باشد. همچنین رفع دغدغه خانواده درباره هزینه‌های درمان و آموزش از طرفی و اشتغال، مسکن و ازدواج فرزندان در آینده از طرف دیگر باید در برنامه‌های اقتصادی یک اولویت مستمر باشد.

۱۰- ایجاد فضای امید و آرامش و نشاط همراه با ارائه‌ی الگوهای صحیح چگونه زیستن و روابط و مناسبات خانوادگی و پرهیز از نمایش یا گفتاری که به نحوی موجب اختلال در روابط خانواده می‌شود از اساسی‌ترین وظایف رسانه ملی باشد.

۱۱- طراحی مدل‌هایی برای آشنایی دختران و پسران به قصد ازدواج با حفظ حریم عفاف و با نظارت خانواده‌ها خصوصاً در کلان‌شهرها می‌تواند در وظایف دستگاه‌های فرهنگی دیده شود.

۲۱- بازتعریف مدل «خانواده، محله‌ی زندگی، مسجد» نه تنها برای موضوع خانواده بلکه برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی جامعه از ضرورت‌های انکارناپذیر است.

۳۱- حمایت همه‌جانبه از زنان خودسرپرست و سرپرست خانواده، یک ضرورت جدید ملی است.

۴۱- برای مراقبت از «کهنسالان» مدل‌سازی صورت پذیرد. کهنسالان نیازهایی دارند که نمی‌توان با وجود مشکلات فراوان خانواده‌های جوان انتظار رسیدگی به همه آنها را از سوی ایشان داشته باشیم. مدل‌های مراقبتی که شئون و احترام کهنسالان را در برداشته باشد باید جایگزین توصیه‌های غیرقابل اجرای فعلی شود.

منابع:

- آیات قرآن مجید
- بیانات امام خمینی (ره)
- بیانات رهبر معظم انقلاب
- علامه طباطبایی (ره)، تفسیر المیزان
- اعزازی، شهلا (۹۸۳۱)، جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، چاپ هفتم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- بهشتی، احمد (۷۷۳۱)، خانواده درقرآن، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- میرخانی، عزت السادات (۹۷۳۱)، رویکردی نوین در روابط خانواده، چاپ اول، تهران: انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- جوادی آملی (۷۸۳۱)، زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء، ناشر دارالهدی
- گروه پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی (زمستان ۹۷۳۱)، فرهنگ و خانواده، چاپ اول، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ساروخانی، باقر (۸۸۳۱)، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سروش
- محمد، محمدی ری شهری (۲۶۳۱)، میزان الحکمه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- مطهری، مرتضی (۱۸۳۱)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد